



## معرفی کتاب *عجب! این فرانسویان!*

دکتر هادی دولت آبادی<sup>۱</sup>

استادیار دانشکده مطالعات جهان، گروه مطالعات اروپا - مطالعات فرانسه،

دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۷ فروردین ۱۳۹۸)

شناخت تصویری که از فرهنگ خود نزد دیگران ایجاد شده است به مردم یک کشور امکان می‌دهد با دیدگاهی انتقادی به خود نگاه کنند. کتاب *عجب! این فرانسویان!* نوشته ماری تریس زبان‌شناس فرانسوی است که در خصوص تصویر موجود از فرانسویان نزد مردم ملل مختلف نگاشته شده است. کتاب هم‌زمان به نگاه منفی مردم دنیا در خصوص رفتار و فرهنگ فرانسوی و جنبه‌های مثبت آن در دید آن‌ها می‌پردازد. نویسنده به واژگانی از زبان فرانسوی اشاره می‌کند که در بسیاری زبان‌های اروپایی وارد شده‌اند و جنبه‌های فرهنگ فرانسه را در غالب کلیشه‌هایی نشان می‌دهد. نقطه ضعف اصلی این اثر عدم اشاره به نگاه مردم مناطق «جنوب» و «شرق» دنیا در خصوص فرانسه است که بیشتر به مستعمرات سابق فرانسه برمی‌گردد و نویسنده به اروپا و آمریکای شمالی در اثر خود بسنده کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ فرانسه، زبان فرانسوی، فرهنگ اروپایی، کلیشه، شناخت دیگری.

<sup>1</sup>E-mail: hadi.dolatabadi@ut.ac.ir

شناخت تمدن، فرهنگ، آداب و سنن و ویژگی‌های رفتاری مردم ملل مختلف امکان درک صحیح ذهنیت و جهان‌بینی آن‌ها را فراهم می‌کند و تسهیل‌کننده مناسبات میان ملل است. شناخت دیگری به پیش گرفتن رویکردی منجر می‌شود که تصمیمات صحیح‌تری در روابط دوسویه قابل اتخاذ خواهند بود. اما شناخت تصویری که از فرهنگ خود نزد دیگران ایجاد شده است مرحله‌ای جلوتر است که به مردم یک کشور امکان می‌دهد با دیدگاهی انتقادی به خود نگاه کنند و در برخی حالات با تغییر رویکرد، به تلاش در بهبود تصویر خود اقدام کنند. این مسئله به کاهش مشکلات ارتباطی و تلاش برای افزایش مقبولیت یک فرهنگ در میان ملل دیگر می‌انجامد و در پیشرفت ارتباطی و فرهنگی مردم قلمرو مورد نظر مؤثر است. تسهیل ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ایجاد جذب در اثر نشر تصویری مثبت از فرهنگ مورد نظر از فواید این رویکرد هستند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند در راستای منافع کشور مورد نظر باشند. در این نوشته به معرفی کتاب *عجب! این فرانسویان!*<sup>۱</sup> اثر خانم ماری تریس<sup>۲</sup> زبان‌شناس و متخصص فرهنگ فرانسه می‌پردازیم. این کتاب ۱۸۱ صفحه دارد و در سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات وویی‌یر<sup>۳</sup> در پاریس به چاپ رسیده است. این نویسنده پیش از این کتاب، آثاری در خصوص تأثیرات زبان‌های خارجی بر زبان فرانسه و کلمات مهاجر فرانسوی در دیگر زبان‌های اروپایی و دنیا داشته است.

همان‌طور که در زیرعنوان این کتاب می‌خوانیم، نویسنده به «بدترین تا خوب‌ترین» چیزهایی که «دنیا درباره فرانسویان» می‌گوید می‌پردازد. کتاب در شش فصل تنظیم شده است که به موارد مختلفی در خصوص تصویر فرانسویان در ذهن خارجی‌ان می‌پردازد. کتاب به نوعی به کلیشه‌های موجود در خصوص فرانسویان و فرهنگ فرانسوی که در ورای مرزهای این کشور در جریان است اختصاص دارد و با این معرفی تصاویر مختلف، می‌تواند یک تلنگر و یادآوری یا زمانی برای تفریح و لبخند برای فرانسویان باشد. اما این کتاب برای خارجی‌ان نیز می‌تواند مفید باشد، بدین ترتیب که با برخی ویژگی‌های فرهنگی فرانسویان آشنا می‌شوند.



<sup>۱</sup> Oh là là, ces Français !

<sup>۲</sup> Marie Treps

<sup>۳</sup> Vuibert

## معرفی و توصیف کتاب

جمله «دوستت دارم، من هم نه!» که عنوان یک ترانه مردمی معروف در فرانسه است به عنوان تیتراژ مقدمه کتاب برگزیده شده است. این جمله حال به اصطلاحی در زبان فرانسه تبدیل شده است و زمانی استفاده می‌شود که میان دو نفری که به هم ابراز عشق می‌کنند علاقه واقعی وجود نداشته باشد. در مقدمه، پس از سخن از جلال و شکوه فرهنگ و زبان فرانسه در قرن هجدهم در اروپا نظیر صحبت کردن شاهان و درباریان کشورهای اروپایی به زبان فرانسوی و عظمت پادشاهان فرانسه نظیر لویی چهاردهم در آن دوران، با تأسف به از میان رفتن این موقعیت در خلال قرن‌های بعد مخصوصاً پس از دهه‌های ابتدایی قرن بیستم اشاره می‌شود. به زعم مؤلف انقلاب‌های ۱۷۸۹ و ۱۸۴۸ و امپراطوری ناپلئون قدری از پرستیژ اشرافیت فرانسوی که اروپا عادت به نمونه گرفتن از آن داشت کاستند. وی به جمله‌ای از فیلسوف مشهور آلمانی آرتور شوپنهاور اشاره می‌کند که در آن وی با لحنی گزنده می‌گوید: «قسمت‌های دیگر دنیا میمون دارند، اروپا فرانسویان را دارد. این جبران می‌کند.» نویسنده سپس از دوگانه بودن تصویر موجود از فرانسه در میان فرهنگ ملل مختلف سخن به میان می‌آورد و پس از آن به طور گذرا از سویی مواردی از مظاهر افتخارآمیز فرهنگ فرانسوی که دیگر ملل را جذب کرده‌اند را ذکر می‌کند و از سوی دیگر به اصطلاحاتی در زبان‌های خارجی درباره فرانسویان و جنبه‌هایی از رفتار آن‌ها اشاره می‌کند که مورد انتقاد و مضحکه قرار می‌گیرند. وی به آلمانی‌ها اشاره می‌کند که فرانسویان را «قورباغه‌خور» می‌نامند و کانادایی‌ها و انگلیسی‌ها که آن‌ها را «قورباغه‌ها» خطاب می‌کنند. در هلند کاری که خوب انجام نشده باشد کار به شیوه فرانسویان است. آنگلوساکسون‌ها فرانسویان را به عنوان افرادی که با آب کم و عطر زیاد نظافت می‌کنند می‌شناسند. از طرف دیگر اما در نروژ به بانویی که آراسته باشد لقب «فرانسوی» می‌دهند و کلمات زیادی از زبان فرانسه توسط زبان‌های دیگر به عاریه گرفته شده‌اند. در پایان مقدمه، نویسنده بر دوگانگی در تصاویر موجود از فرانسویان تأکید می‌کند و از هموطنان خواننده‌اش می‌پرسد «آیا ما به این تصاویر مختلف واقف هستیم؟». وی این تصاویر را محصول شایعاتی که در طی قرن‌ها منتقل شده‌اند که گاه غیرمنتظره و گاه مورد تأیید عمومی بوده‌اند می‌داند.

<sup>1</sup> Je t'aime, moi non plus !

<sup>2</sup> Frogs

فصل ابتدایی کتاب «عجیب و غریب‌های فرانسوی» نام دارد که به ویژگی‌هایی از فرانسویان می‌پردازد که در ورای مرزهای این کشور مورد انتقاد قرار دارند. تعدادی از این موارد در بخش زیر به همراه توضیحات مربوط به آن‌ها مرور می‌شود.

- فرانسویان کثیف هستند؟ به جز آنگلو ساکسون‌ها، ملل دیگر نظیر یونانیان، شیلیایی‌ها و ایتالیایی‌ها نیز در خصوص پاکیزگی فرانسویان ایراد وارد می‌کنند و آن را به دلیل نوع استحمام فرانسوی می‌دانند که شامل استفاده از آب کم و عطر زیاد می‌شود. اصطلاح حمام فرانسوی<sup>۱</sup> در آمریکا به همین مورد اطلاق می‌شود. نویسنده به تجربه سربازان آمریکایی که پس از جنگ جهانی دوم به فرانسه آمده‌اند اشاره می‌کند که با فرانسویانی روبرو بودند که پس از شش سال جنگ صابونی برای استحمام نداشته‌اند.
- فرانسویان تنبل، غرغرو و تق‌تق هستند؟ این بخش به ذهنیت کم کار کردن فرانسویان (۳۵ ساعت کار هفتگی) اشاره می‌کند. لهستانی‌ها به کسی که خیلی فعالیت ندارد می‌گویند «تنبل مثل یک فرانسوی»؛ در ایسلند اصطلاح «چرت فرانسوی زدن» به معنای روز را به خواب سپری کردن است. از دید ملل دیگر فرانسویان همواره غر می‌زنند. دیمتری پیساروف انقلابی روسی می‌گوید: «فرانسویان اگر مشکل گوارشی هم داشته باشند می‌گویند تقصیر دولت است.»
- ... یا راحت و کنجکاو؟ در فلورانس اصطلاحی است که می‌گوید: «در زمان استراحت فقط سگ‌ها و فرانسویان در خیابان‌ها هستند». نویسنده این پرسش را مطرح می‌کند که آیا فرانسویان برای وفق دادن خود با عادات محلی جایی که می‌روند مشکل دارند. در مجارستان دیدن فرانسویان که به پارک می‌روند و می‌نشینند تعجب‌آور است، چرا که مردم بقیه کشورها همواره عجله دارند.
- فرانسویان نامرتب، بی‌نظم و ناامید کننده هستند؟ در هلند، ایتالیا و فلاندر در بلژیک کاری که خوب انجام نشده باشد «کار به شیوه فرانسوی» نامیده می‌شود. دانمارکی‌ها در خصوص کاری که انجامش سخت است ضرب‌المثلی دارند: «باید همان کاری را کرد که در پاریس انجام می‌شود، بگذاریم باران بیاید.»
- فرانسویان با ادا اطوار، از خود راضی و خودنما هستند؟ در این بخش نویسنده به افراطی بودن ژست‌های فرانسویان قرن ۱۸ از دید دیگر ملل اروپا در خصوص رفتار و ظاهر اشاره

<sup>1</sup> French bath

می‌کند. در لهستان فردی با اطوار زیاد و پرمدعا «توله‌سگ فرانسوی» لقب می‌گیرد. در زبان‌های خارجی، بسیاری کلمات فرانسوی عاریه گرفته شده از شخصیت‌های رمان و نمایشنامه‌های فرانسوی برای اشاره به چنین افرادی استفاده می‌شود.

پس از بخش اول که انتقادی‌ترین بخش کتاب نسبت به فرانسویان است، مؤلف در بخش دوم به «ادب به شیوه فرانسوی» می‌پردازد که در آن به واژگان فرانسوی مؤدبانه مانند ببخشید [پردون]<sup>۱</sup>، مادموازل<sup>۲</sup>، مادام<sup>۳</sup>، موسیو<sup>۴</sup>، مرسی<sup>۵</sup> و ... که در بسیاری از زبان‌های اروپایی وارد شده‌اند اشاره می‌کند. بخش دیگر «راحتی‌های مکالمه» نام دارد که به اصطلاحات فرانسوی که در زبان‌های خارجی وارد شده‌اند می‌پردازد. لیستی از این اصطلاحات که مخصوصاً در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به نظر نویسنده به سخن‌گوینده تأثیری شیک و با پرستیز می‌دهند در این قسمت ذکر شده است؛ به علاوه عبارات دیگری مانند شاپو<sup>۶</sup> که برای نشان دادن تحسین و یا تعجب در زبان اسپانیایی به عنوان مثال استفاده می‌شود. نویسنده همچنین به استفاده نویسندگان روس مانند تولستوی، پوشکین و نیکلای گوگول از عبارات فرانسوی در میان متون خود و به استفاده از برخی از اصطلاحات فرانسوی توسط جوانان روسی اشاره می‌کند. بخش بعدی «ضعف‌های فرانسوی» نام دارد که در آن به مشکلات فرانسویان برای ارتباط برقرار کردن با انگلیسی‌زبان‌ها و خاطره سخن‌گفتن بخش بزرگی از اروپای قرن ۱۸ به زبان فرانسوی اشاره می‌شود. بخش بعدی «هنر زندگی یا احترام به فرمالیته‌ها» نام دارد که ابتدا به تصویری از فرانسویان در اروپا اشاره می‌کند که آنها را بسیار مقید به رسوم و فرمالیته رفتاری می‌داند و در تصویری متضاد در دانمارک «ویزیت فرانسوی» به بازدیدی سرزده و خارج از تکلفات گفته می‌شود. در بخش «محبت یا تزویر» نویسنده از خود می‌پرسد: آیا فرانسویان بیش از حد مبادی آداب هستند و این رفتار آن‌ها همیشه صادقانه نیست؟ در این بخش وی به تعارفات فرانسوی و دوستی‌های ظاهری که ملل مختلف در رفتار فرانسویان می‌بینند و یا واژگانی از زبان فرانسوی که برای سخن‌گفتن از آن استفاده می‌کنند اشاره می‌کند. قسمت آخر این فصل به «زبان خودمانی و سخن درشت» در میان فرانسویان می‌پردازد.

<sup>1</sup> Pardon

<sup>2</sup> mademoiselle

<sup>3</sup> madame

<sup>4</sup> monsieur

<sup>5</sup> merci

<sup>6</sup> Chapeau

فصل سوم «هنر زندگی به شیوه فرانسوی» نام دارد که نویسنده در آن به «شیک‌پوشی فرانسوی» با تأکید بر نوع پوشش و کلاه‌گیس‌های اشرافیان قرون گذشته و سپس «لوازم [زیورآلات] جانبی» که معادلات فرانسوی آن در بسیاری زبان‌های اروپایی جای خود را پیدا کرده‌اند اشاره می‌کند. «پاشنه لویی [چهاردهم]»، «پاشنه پمپادور [معشوقه لویی پانزدهم]»، «پاشنه فرانسوی» از عباراتی هستند که وارد دنیای مد شده‌اند. بخش‌های بعدی به کلماتی از زبان فرانسوی در مورد لباس‌های مختلف در «درسینگ» و «لباس‌های زیر» که در زبان‌های اروپایی استفاده می‌شوند اختصاص دارد. در بخش‌های بعدی کلماتی در خصوص «چینش [میز [غذاخوری] به شیوه فرانسوی»، «سرو غذا به شیوه فرانسوی»، «دسرها»، «نانوایی» و «سفیرها» مورد اشاره قرار می‌گیرند که مورد آخر به سرآشپزهای معروف فرانسوی که سفیر آشپزی سطح بالای فرانسوی هستند اختصاص دارد. «هنر زندگی کردن» «در شهرها» و «در خانه» بخش‌های پایانی این فصل هستند.

فصل بعدی «عشق به شیوه فرانسوی» نام دارد که در آن بخش‌هایی نظیر «دل‌ریایی به شیوه فرانسوی»، «زن فرانسوی، دختر آسان، زن طنز» و «فرانسویان فقط به آن فکر می‌کنند» وجود دارند. در این بخش آخر، نویسنده به جنجال‌های عاشقانه و جنسی سیاستمداران فرانسوی مانند ماجرای معشوقه مخفی فرانسوا اولاند در زمان ریاست جمهوری اش، و دومینیک استراوس کان رئیس وقت صندوق بین‌المللی پول که حرفه سیاسی‌اش با ماجرای رسوایی جنسی در هتلی در نیویورک در حالی که به عنوان نامزد حزب سوسیالیست برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۷ مطرح بود به پایان رسید، اشاره می‌کند. بخش دیگر این فصل «بوسه فرانسوی» است که به عنوان مظهری از فرهنگ عاشقانه فرانسه در بسیاری کشورهای دنیا خصوصاً میان انگلیسی‌زبان‌ها<sup>۱</sup> شناخته می‌شود.

فصل بعد «ملت بزرگ» نام دارد که در آن به تصویر موجود از حاکمان، سیاستمداران و نظامیان فرانسوی در میان ملل مختلف اشاره می‌شود. بخش‌های این فصل عبارت‌اند از «فرانسه درخشانده و توسعه‌طلب» که به شکوه فرانسه در قرون ۱۸ و ۱۹ می‌پردازد، «مهاجمین لجوج» که در آن به فتوحات و لشکرگشایی‌های شارلمانی، فرانسوای اول و مخصوصاً ناپلئون می‌پردازد. «سیاستمداران متناقض» بخش دیگری است که در آن به غیر قابل اعتماد بودن سیاستمداران فرانسوی و مواردی اشاره می‌شود که کشورهای مختلف پس از گرفتن قول از آن‌ها با ناامیدی تمام با خلاف آن مواجه شده‌اند. بدین ترتیب در زبان بلغاری «گارانتی فرانسوی» قول سیاسی است که چندان قابل اعتماد نیست. «آن‌ها چیزی را از چیزی تشخیص نمی‌دهند» نام بخشی است که در آن نویسنده می‌نویسد: در اروپا فرانسویان کودن فرض می‌شوند یا این‌که خود را زمانی که به نفع‌شان باشد این‌طور وانمود می‌کنند. در قسمت «بزدل‌ها»

<sup>1</sup> French Kiss

نویسنده به تضاد تصویری که از فرانسویان وجود دارد اشاره می‌کند که از طرفی زمانی به عنوان ژاندارم دنیا شناخته می‌شده‌اند و از سویی از آن‌ها به عنوان بزدل یاد می‌شود. قسمت بعد «افتخارات و به خود بالیدن» نام دارد که در آن به نقش فرانسویان و ژنرال لافایت<sup>۱</sup> در پیروزی انقلاب آمریکا اشاره می‌شود. در بخش «سورپرایزهای تاریخ» نویسنده به وقایعی اشاره می‌کند که در آن فرانسه خود را به عنوان مهد آزادی اندیشه، برادری، برابری و ارزش‌های دموکراسی نشان داده و توانسته است سیاستمداران دنیا را با خود همراه کند.

فصل پایانی که «بقیه‌های زیبا» نام دارد دارای بخش‌هایی نظیر «جمعیتی از کلمات فرهنگی» است که به طور کلی به نشر فرهنگ فرانسوی در اروپا می‌پردازد که در ادامه آن بخش «آخرین جرنگ جرنگ‌ها در اروپا» نگاهی تاریخی به وضعیت پیش آمده برای فرانسه پس از جنگ جهانی دوم و پایان بزرگی فرانسه از آن دوره به بعد دارد. در بخش «خرت و پرت‌های آسیایی» نویسنده به نفوذ فرهنگ و اصطلاحات و تصویر مثبت فرانسوی به کشورهای شرق آسیا همچون چین، ژاپن و تایلند می‌پردازد و مثال‌هایی ارائه می‌کند. بخش آخر «طعم فرانسوی» نام دارد که در آن علاوه بر تأکید بر آشپزی فرانسوی به نشر زبان فرانسه توسط مؤسسات فرانسوی در دنیا اشاره می‌شود.

#### ارزیابی نهایی

کتاب با تشکر نویسنده از ده‌ها فرد غیرفرانسوی که به وی در جمع‌آوری واژگان و اصطلاحات ذکر شده کمک کرده‌اند و کتاب‌نامه‌ای با حدود ۵۰ عنوان کتاب و منابع چندرسانه‌ای به پایان می‌رسد و نتیجه‌گیری خاصی در پایان کتاب ملاحظه نمی‌شود. از نقطه نظر ریتم تنظیم فصل‌های کتاب، نویسنده هوشمندانه بخش اول را به قسمت انتقادی و بخش‌های پایانی را به سخن از بزرگی فرانسوی اختصاص داده است. بدین وسیله خواننده فرانسوی با خواندن این اثر در پایان حس خوبی از فرانسوی بودن خواهد داشت، هر چند در این میان گاه موارد انتقادی در اصطلاحات استفاده شده در زبان‌های دیگر اروپایی نیز به چشم می‌خورد. با وجودی که نویسنده سعی کرده است افق نگاه گسترده‌ای داشته باشد، اما در مثال‌ها و موارد بیان شده بسیاری از مناطق دنیا مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. نکات بسیاری در خصوص مناطق جغرافیایی «جنوب» و «شرق» از نگاه نویسنده مغفول مانده‌اند. در واقع نویسنده عملاً نگاه خود را معطوف به اروپا و آمریکای شمالی کرده است. با توجه به حضور تاریخی پررنگ فرانسه در آفریقا و بحث استعماری به نظر می‌رسد نویسنده نخواستار است لذت خواندن این کتاب را با تصویر انتقادی که از فرانسویان در زبان و فرهنگ کشورهای مستعمره سابق آفریقایی وجود دارد

<sup>1</sup> Lafayette

خراب کند. هر چند نویسنده نگاه‌های انتقادی نسبت به فرانسه را در این کتاب مطرح کرده است، اما ذکر مواردی که ریشه در اتفاقات استعماری کشورهای آفریقای شمالی و غربی دارند و بیان دلایل تاریخی آن‌ها می‌توانست جنبه انتقادی کتاب را پررنگ‌تر کند، در این کتاب دیده نمی‌شود. دلیل آن را می‌توان در این امر دانست که فرهنگ فرانسه در آفریقا بیشتر از هر جای دیگر با زور و دشواری وارد شده است و سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که در خاطرات ملل هنوز پررنگ هستند برای مستعمرات فرانسوی که خواستار استقلال از فرانسه بودند گاهی دوران بسیار سخت و خون‌باری بوده است (مخصوصاً در مورد الجزایر). بدین ترتیب نویسنده هر چند در زیرعنوان کتاب به نکاتی که «دنیای» درباره فرانسویان می‌گوید اشاره دارد، اما با خودداری از پرداختن به این منطقه از دنیا بدون اشاره به دلیل منطقی برای آن عملاً از جامع بودن کتاب کاسته است. علاوه بر کشورهای آفریقایی جای کشورهای خاورمیانه نیز در این کتاب بسیار خالی است. تنها کشور با فرهنگ شرقی، ترکیه است که در موارد بسیار جزئی به آن اشاره شده است. این در حالی است که در زبان فارسی کلمات و اصطلاحات بسیاری نظیر راندمان، آپارتمان، پانسمان، پارلمان، پاساژ، ماساژ، گاراژ، آلیاژ، شانتاژ، مونتاز، ماتو، کادو، شاپو، مرسی، لوستر، تلویزیون و صدها واژه دیگر یافت می‌شوند که در ارتباطات فرهنگی، علمی و سیاسی میان دو کشور به زبان فارسی راه یافته‌اند؛ البته زبان فارسی نیز واژگانی نظیر بازار<sup>۱</sup>، کاروان<sup>۲</sup>، خاکی<sup>۳</sup>، بادنجان<sup>۴</sup>، کوشک (کیوسک<sup>۵</sup>)، دیوان<sup>۶</sup>، زعفران<sup>۷</sup>، ترخون<sup>۸</sup> و ... را به زبان فرانسه وام داده است. از سوی دیگر در برخی موارد نظیر غیر قابل اعتماد بودن حکمرانان فرانسوی، نویسنده می‌توانست با اندکی جستجوی تاریخی به معاهده فیکنن اشتاین میان فتحعلیشاه فرمانروای ایران و ناپلئون امپراتور فرانسه و شکستن تعهد فرانسه در پی امضای معاهده تیلسیت میان او و تزار روسیه اشاره کند تا مواردی مستند برای واقعیت این تصویر موجود از سیاستمداران فرانسوی ارائه کند. از میان کشورهای غربی نویسنده می‌توانست حداقل اشاره‌ای به دوران قیمومیت فرانسه بر سوریه و لبنان کنونی پس از جنگ جهانی اول بکند و به اصطلاحات فرانسوی موجود در گویش این دو کشور نیز اشاره‌ای در میان

<sup>1</sup> bazar

<sup>2</sup> caravane

<sup>3</sup> kaki

<sup>4</sup> aubergine

<sup>5</sup> kiosque

<sup>6</sup> divan, douane

<sup>7</sup> safran

<sup>8</sup> estragon



مباحث خود داشته باشد. با این همه ارجاعاتی که نویسنده به متون ادبی و تاریخی و وقایع اخیر در تاریخ فرانسه دارد به جنبه استنادی کار وی اعتبار بخشیده است.

#### نتیجه‌گیری

در مجموع کتاب *عجب! این فرانسویان!* کتابی است که خواندن آن برای خوانندگان فرانسوی و فرانسوی‌زبان خالی از لطف نیست. فرانسویان با خواندن آن لبخندی بر لب خواهند آورد و فرانسوی‌زبانان غیرفرانسوی اطلاعات متنوعی در زمینه ویژگی‌های فرهنگی فرانسویان به دست می‌آورند. بدین ترتیب نویسنده با ذکر برخی واقعیت‌ها و نگاه موجود در ذهن مردم فرهنگ‌های ملل مختلف اروپایی و آمریکایی توانسته است بخش بزرگی از تصویر موجود از فرانسویان در دنیا را منعکس کند. هر چند وی گاه اشاره‌ای به اشتباه بودن و کلیشه‌ای بودن تصاویر موجود از فرانسویان دارد، اما همان‌طور که در زبان شیرین پارسی این ضرب‌المثل وجود دارد، «تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها!»

#### References

#### منابع

- Bozo, Frédéric (2012), *Politique étrangère de la France depuis 1945*, Flammarion, Paris.
- Depecker, Loïc (2013), *Petit dictionnaire insolite des mots de la francophonie*, Larousse, Paris.
- Hellot-Bellier, Florence (2008), *France-Iran : Quatre cents ans de dialogue*, Studia Iranica, Paris.
- Treps, Marie (2003), *Les Mots voyageurs. Petite histoire du français venu d'ailleurs*, Seuil, Paris.
- Treps, Marie (2015), *Oh là là ces Français ! Du pire au meilleur, comment le monde parle de nous*, Vuibert, Paris.



## Review of the Book

### *Oh la la! These French People!*

**Hadi Dolatabadi<sup>1</sup>**

Assistant professor, Faculty of World studies, Department of European studies,  
French studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received: 02 March 2019; Accepted: 06 April 2019)

Knowing the image created by others from their culture allows the people of a country to look at themselves. The book "Oh la la! These French people!" Written by Marie Treps, a French linguist, has been written about the image of the French people among the people of various nations. The book simultaneously looks at the negative point of views of the world's people about French behavior and culture and its positive aspects. The author refers to French words that have come into many European languages and show the aspects of French culture in terms of stereotypes. The main drawback of this effect is not to refer to the people of the regions of the "South" and "East" of the world in relation to France, which goes back to the former French colonies and the writer has suffered from Europe and North America.

**Keywords:** French Culture, French, European Culture, Stereotype, Knowing Others.

---

<sup>1</sup> E-mail: hadi.dolatabadi@ut.ac.ir